

Jurisprudential and legal study of crime in cyberspace

Sayyed Kamyar Mirsalami¹

Sayyed Younos Vahed Yarijan²

Abdolreza Jamalzadeh³

Article type: Research article

Received:2021/10/1 Accepted: 2022/1/1

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.7/NO.1/(serial23)Spring 2022*105-131



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2022.98601

Abstract

One of the most important issues in criminal law is the issue of corruption on earth, which due to the new conditions and the presence of cyberspace in all aspects of social life, today, this issue has become doubly important. This issue has not been studied comprehensively, revised and independently from a jurisprudential point of view, and from a legal point of view, it has not been clearly and precisely demarcated with similar crimes such as moharebeh, and the crime index, especially in cyberspace, has not been properly explained. This article seeks to identify the causes and elements of crime from a jurisprudential and legal perspective, the approach of which is to identify the elements of the crime of corruption on earth in cyberspace. What is clear is that the history of computers and cyberspace in human life does not reach more than a few decades, while jurisprudential issues and rules have been trusted for hundreds of years. On this basis, the author tries to offer a new perspective on the issue of corruption in cyberspace. The method of this research is descriptive-analytical and the purpose of this article is to try to make the dynamics of Islamic jurisprudence and law in the field of modern crimes in cyberspace.

Keywords: cyberspace, corruption on earth, moharebeh, jurisprudence

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), mirsalamikamyar@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, vahedyarijanyounes@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, dr.jamalzadeh@iaubushehr.ac.ir

بررسی فقهی و حقوقی جرم در فضای مجازی

سید کامیار میرسلامی^۱

سید یونس واحد یاریجان^۲

عبدالرضا جمال زاده^۳

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هفتم/شماره ۱(پیاپی ۲۳)-بهار ۱۴۰۱* ۱۰۵-۱۳۱



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2022.98601

چکیده

از مهم‌ترین مباحث حقوق کیفری، مسئله افساد فی الارض است که با توجه به شرایط جدید و حضور فضای مجازی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، امروزه، این مسئله از اهمیت دوچندانی برخوردار شده است. مسئله‌ای که از منظر فقهی به صورت جامع، منقح و مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است و از منظر حقوقی نیز به صورت روشن و دقیق با جرایم مشابه خود مانند محاربه مرزبندی نشده است و شاخص تحقق جرم نیز به خصوص در فضای مجازی به درستی تبیین نشده است. این مقاله در صدد شناسایی عوامل و ارکان جرم از منظر فقهی و حقوقی است که رهیافت آن، شناسایی ارکان جرم افساد فی الارض در فضای مجازی است. آنچه روشن است این است که سابقه ورود رایانه و فضای مجازی در زندگی بشر به بیش از چند دهه نمی‌رسد و این در حالی است که مسائل و قواعد فقهی صدها سال است که مورد وثوق قرار گرفته‌اند. بر این مبنای، نگارنده تلاش می‌کند تا نگاهی جدید را در خصوص موضوع افساد فی الارض در فضای مجازی ارائه دهد. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و هدف مقاله حاضر، به نوعی تلاش برای پویایی فقه اسلامی و حقوق در زمینه جرایم امروزی در فضای مجازی است.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، افساد فی الارض، محاربه، فقه

۱. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
mirsalamikamyar@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال، تهران، ایران،
vahedyarijanyounes@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال، تهران، ایران،
dr.jamalzadeh@iaubushehr.ac.ir

مقدمه

یکی از بارزترین مشکلات ناشی از استفاده از فضای مجازی، ظهور نوع جدیدی از جرایم است که جرایم مبتنی بر اینترنت نامیده می‌شود. برخلاف جرایم سنتی، جرایم اینترنتی اغلب پیچیده‌اند و اثبات عمل این جرایم نیز دشوارتر است؛ در نتیجه، تأثیر منفی این جرایم بر امنیت و فرهنگ کشورها بیشتر خواهد بود. می‌توان گفت که این جرایم، اگرچه شباهت‌هایی با جرایم سنتی دارند، اما از لحاظ ماهیت و روش با جرایم سنتی متفاوتند و به همین دلیل، مستلزم بررسی بیشتر در فقه و حقوق‌اند.

جرایم سایبری در فضای مجازی به جرایمی گفته می‌شود که در بستر اینترنت با استفاده از رایانه یا به‌عنوان ابزار یا قربانی هدف قرار می‌گیرد. در این بین، جرم افساد فی الارض می‌تواند به‌عنوان یک جرم بر ضد افراد، اموال و امنیت، به‌طور کلی محقق گردد. اقدام افساد فی الارض در فضای مجازی، به جهت پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و گستردگی آثار آن، می‌تواند بسیار مخرب‌تر از جرایم نوع سنتی باشد. به دلیل نوظهور بودن موضوعات و مباحث این حوزه، بدیهی است که در متون فقهی به مسائل آن پرداخته نشده‌است و بر این اساس، در این مقاله سعی شده‌است تا با توجه به اسناد و مصادیق، به منطقی و تحلیلی علمی در خصوص جرم افساد فی الارض در فضای مجازی دست یابیم. در بسیاری از متون و مباحث فقهی، محاربه و افساد همراه یکدیگر ذکر شده‌اند و البته در برخی از متون نیز به‌عنوان جرم مستقل به کار رفته‌اند. اما به دلیل عدم وجود بحثی مبسوط در باب افساد فی الارض و تمایز جدی آن با محاربه، در این مقاله، افساد فی الارض و محاربه در معنایی نزدیک به هم به کار می‌روند که همان برهم‌زننده شدید نظم عمومی کشور و جرایم قابل مجازات مانند قتل و غارت اموال است.

پیشینه پژوهش

هر چند که به‌صورت مجزا در خصوص مفهوم فضای مجازی و یا افساد فی الارض، مقالات و کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده‌است اما در بحث افساد فی الارض در فضای مجازی که از موضوعات مستحدثت می‌باشد، کارهای پژوهشی چندانی انجام نشده‌است. با مراجعه به کتب پیرامون این حوزه درمی‌یابیم که بیشتر تمرکز نگارندگان بر مسائل آموزشی بوده‌است و به‌واسطه غلبه رویکرد آموزشی، فاقد نوآوری پژوهشی ویژه بوده و فقط با احصای حداکثری جرایمی که دارای ابعاد امنیتی است، سعی کرده‌اند تا ارکان مادی، روانی و قانونی هر یک را مستند به قانون مجازات اسلامی مورد

بررسی قرار دهند؛ برای مثال، کتاب "جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی" که توسط حسین میرمحمد صادقی نگاشته شده است و سایر کتب این عرصه، با نگاهی ویژه به این اثر تدوین شده‌اند؛ بنابراین، غلبه نگاه آموزشی و عدم پرداخت پژوهشی به این عرصه، از جدی‌ترین آسیب‌ها و سپس غلبه رویکرد حقوقی و عدم توجه عمیق به مباحث فقهی، آسیبی دیگر در خصوص کتب این عرصه است.

همچنین است کتاب "جرایم بر ضد امنیت" حسینعلی بای که فقط به بخشی از مباحث و آن هم به صورت بسیار نظری و مجمل پرداخته شده است. در بسیاری از آثار فقط با احصای حداکثری جرایمی که دارای ابعاد امنیتی می‌باشند، سعی شده است تا ارکان مادی، روانی و قانونی هر یک را مستند به قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار دهند.

یکی دیگر از این پژوهش‌ها، "بررسی فقهی افساد فی الارض اینترنتی" از علی‌اکبر ایزدی فرد و مجتبی حسین‌نژاد (۱۳۹۵) است. نویسندگان این مقاله معتقدند که حکم مستقیمی در رابطه با افساد فی الارض در اینترنت از جانب فقها صادر نشده است؛ با این حال، با توجه به شواهد قرآنی، روایات و کلیات نظرات فقها در خصوص افساد فی الارض، می‌توان نتیجه گرفت در صورتی که مفسدین اینترنتی قصد اختلال و افساد در جامعه به قصد برهم خوردن نظم آن را داشته باشند، حد افساد بر آنها اجرا خواهد شد.

پژوهش دیگری با عنوان "بررسی تحقق جرم افساد فی الارض و محاربه در فضای مجازی" توسط مهرداد شریفی و روح‌الله سپهری (۱۳۹۴) صورت گرفته است که نویسندگان آن بر این اعتقادند که جرم افساد فی الارض و محاربه در فضای مجازی را می‌توان بر اساس کلیات نظر فقها با توجه به برهم خوردن نظم عمومی استنباط کرد.

تفاوت تحقیق حاضر با پژوهش‌های انجام گرفته در این است که در پژوهش‌های فوق، تمرکز بیشتر بر تشریح و تعریف مفاهیم بوده است؛ اما در این مقاله سعی شده است تا تحلیلی قابل قبول ارائه شود. با توجه به اینکه تحقیقاتی با موضوعات کمابیش مشابه در حیطه جرم افساد فی الارض صورت گرفته است، آنچه اهمیت این مقاله را بیشتر می‌کند، این است که در مقاله حاضر سعی شده است تا برای افساد فی الارض در فضای مجازی ماهیتی مجزا از محاربه در این گستره در نظر گرفته شود؛ مسئله‌ای که در پژوهش‌های مشابه مشاهده نمی‌شود.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم فضای مجازی

تعاریف مختلفی از فضای مجازی هم در ادبیات علمی و هم در منابع رسمی دولتی یافت می‌شود؛ با وجود این، هنوز تعریف رسمی و جامعی در این خصوص وجود ندارد. به‌طور کلی، می‌توان گفت که فضای مجازی^۱ توصیف یک فناوری دیجیتال گسترده و به‌هم‌پیوسته است. از جهان برخط به‌عنوان جهانی "جدا" و متمایز از واقعیت روزمره یاد می‌شود. در فضای مجازی مردم می‌توانند در پشت هویت‌های جعلی پنهان شوند. فضای مجازی را فقط یک فضای ورای واقعیت می‌دانند که در آن ارتباط از طریق شبکه‌های رایانه‌ای رخ می‌دهد (Steiger, 2018). در اینجا مرکز ثقل جهان واقعی و جهان یا فضای مجازی بر بستر رایانه، گوشی‌های هوشمند و یا ابزارهای نوین ارتباطات است. «فضای مجازی در دهه ۱۹۹۰ رواج یافت که استفاده از اینترنت، شبکه و ارتباطات دیجیتالی، همگی به طرز چشمگیری در حال رشد بود و اصطلاح فضای مجازی توانست نمایانگر بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نوظهور باشد» (Strate, 1999).

امروزه، اصطلاح فضای مجازی به ابزاری مرسوم برای توصیف هر آنچه در ارتباط با اینترنت و فرهنگ متنوع اینترنت است، تبدیل شده است؛ در حالی که نباید فضای مجازی را با اینترنت اشتباه گرفت. این اصطلاح اغلب برای اشیا و هویت‌هایی به کار می‌رود که در داخل شبکه ارتباطی وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، ممکن است به‌طور مصداقی از یک وب‌سایت گفته شود که «در فضای مجازی وجود دارد» (Graham, 2013). بر اساس این تفسیر، رویدادهایی که در اینترنت رخ می‌دهند، در مکان‌هایی که شرکت‌کنندگان یا سرورها از نظر فیزیکی در آن قرار دارند، اتفاق نمی‌افتند بلکه "در فضای مجازی" هستند. میشل فوکو^۲ - فیلسوف فرانسوی قرن بیستم - برای توصیف چنین فضاهایی که هم‌زمان جسمی و روحی هستند - از اصطلاح heterotopias استفاده می‌کرد (Blair, 2009). بنابراین، مفهوم فضای مجازی به محتوای ارائه‌شده برای کاربر اشاره نمی‌کند بلکه بیشتر به احتمال گشت‌وگذار در سایت‌های مختلف اشاره دارد و در واقع، این فضا با حلقه‌های بازخورد بین کاربر و بقیه سیستم، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که همیشه با چیزی ناشناخته یا غیرمنتظره روبه‌رو می‌شوید.

جرایم اینترنتی

افزایش نرخ جرایم مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (اینترنتی) با ویژگی‌های مختلف متنوع آن باعث نگرانی شده است. جرایم اینترنتی اصطلاحی است که دامنه وسیعی از فعالیت‌های مجرمانه را

1. Cyberspace
2. Michel Foucault

با استفاده از رایانه و سایر دستگاه‌های ارتباطات در برمی‌گیرد. جرایم اینترنتی به عمل انجام مجرمانه با استفاده از فضای مجازی به‌عنوان رسانه ارتباطی می‌شود. جرایم فضای مجازی مانند آزار و اذیت اینترنتی و افترا در فضای مجازی موضوعات رایجی است و به‌سرعت در حال افزایش است. در حال حاضر، سرقت کارت‌های اعتباری و موارد آنلاین پول‌شویی از جرایم اینترنتی در حال افزایش است. آزار و اذیت و هتک حیثیت و نشر اکاذیب از طریق شبکه‌های اجتماعی نیز مورد نگرانی افراد است. تروریسم سایبری برجسته‌ترین جنبه‌های جرایم اینترنتی در سراسر کشورها است و شاید بتوان گفت که این عدم‌آگاهی از جرایم اینترنتی است که منجر به بالا رفتن نرخ این نوع جرایم هتک حیثیت می‌شود (Arora, 2016).

جرم اینترنتی یا جرم رایانه‌ای، جرمی است که شامل رایانه و شبکه گسترده فضای مجازی می‌شود (Moore, 2005). در این جرم، ممکن است از رایانه در ارتکاب جرم استفاده شده باشد یا هدف آن باشد (Warren, 2002). جرایم اینترنتی ممکن است یک شخص، شرکت یا امنیت ملی و مالی را تهدید کند (Bossler, 2019). در سال ۲۰۱۸، یک مطالعه توسط مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی^۱، با مشارکت مک آفی، نتیجه گرفت که نزدیک به ۶۰۰ میلیارد دلار - یعنی تقریباً یک‌درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی - هر ساله با جرایم اینترنتی از دست می‌رود (Bossler, 2019). دردسترس بودن فضاهای مجازی برای بخش‌های دولتی و خصوصی این امکان را فراهم کرده است که جرایم اینترنتی به یک اتفاق روزمره تبدیل شود (Brenner, 2010). با این تعاریف از فضای مجازی و جرایم اینترنتی، حال باید به تعریف و تشریحی از افساد فی‌الارض بپردازیم تا بتوانیم پلی ارتباطی بین مفاهیم این مقاله ایجاد کنیم.

ماهیت‌شناسی افساد فی‌الارض

با توجه به اقتضائات خاص جرایم حدی در اسلام و آثار و شیوه مجازات خاص این جرایم، محصور بودن این جرایم به تعدادی محدود و شرایط سخت جهت اثبات آنها کاملاً هوشمندانه به نظر می‌رسد. درخصوص تعریف این دسته از جرایم، به‌خصوص انطباق آن با فضای مجازی بین فقیهان اختلاف دیدگاه وجود دارد. منشأ این اختلاف آن است که برخی فقها تعداد حدود را هفت عنوان زنا، لواط، مساحقه، سرقت، محاربه، قذف، شرب‌خمر و قوادی دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۸۴: ۸۹۱ - ۸۶۲)؛ اما برخی از فقها با این استدلال که شاخص حدی بودن یک مجازات، مصرح بودن آن مجازات در اسلام می‌باشد، تعداد این دسته از مجازات را شانزده مورد دانسته‌اند و علاوه بر هشت جرم

مذکور، جرایم ذیل را نیز جزو جرایم مستوجب حد به حساب آورده‌اند: تفخیز، ازدواج کردن با زن ذمی توسط مرد مسلمان دارای همسر، تقبیل، سبّ نبی، ادعای نبوت، سحر، فروش انسان آزاد و ارتداد(خویی، ۱۴۲۲ق: ۴۰۷ - ۲۰۴).

در قانون جدید مجازات اسلامی، بخش دوم از کتاب دوم از مواد ۲۲۲ تا ۲۸۹ به جرایم موجب حد اختصاص پیدا کرده‌است و قانون‌گذار علاوه بر هشت جرم مستوجب حدی که مشهور بدان اشاره داشته‌اند، سه عنوان حدی دیگر را نیز به قانون افزوده‌است؛ سبّ نبی، بغی و افساد فی الارض. در این تحقیق تلاش خواهد شد که یکی از این سه عنوان جدیدالورود به قانون یعنی افساد فی الارض در فضای مجازی مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گیرد.

مفهوم افساد فی الارض

افساد فی الارض به معنای انجام هر عمل حرامی که شارع آن را ممنوع کرده‌است، نیست بلکه منظور رفتارهایی است که در صورت ارتکاب موجب اختلال نظام اجتماعی می‌شود؛ به گونه‌ای که ثبات و قرار جامعه و شهروندان را از بین می‌برد؛ به عبارت دیگر، هر رفتاری که در صورت شیوع، موجب انهدام اجتماع و حیات اجتماعی می‌شود(گلیایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۳۱۶). همچنین، مقصود از افساد فی الارض، انجام هر عملی است که مسیر عادی و سلامت امنیتی یا اخلاقی یا اقتصادی جامعه را برهم بزند و موجب تباهی در نظام آن شود(منتظری در: کدیور، ۱۳۸۷: ۲۴۷).

تغییر نگاه نظام تقنینی از این باب مهم است که تا پیش از این، برخی از جرایم خاص به تصریح قانون، مصداق افساد فی الارض دانسته می‌شد اما با حضور ماده ۲۸۶ در حقیقت، نظام تقنینی ماده‌ای را به رسمیت دانسته‌است که حاکم بر بسیاری از مواد قوانین کیفری خواهد بود. در توضیح می‌توان گفت که ماده ۲۸۶ مقرر می‌دارد که اگر جرم بر ضد اشخاص، اموال، امنیت و اخلاق تحقق یافت یا دروغی به صورت گسترده اظهار شد یا در این موارد، معاونت صورت گرفت، اگر موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور شود یا ناامنی ایجاد کند یا خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی ایجاد کند که سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع شود، مرتکب از دیدگاه نظام تقنینی، مفسد محسوب می‌شود و همچنین، قاتل یا سارق یا جاسوس یا دروغگو. بنابراین، اگر شرایطی که ماده ذکر کرده‌است، چه در فضای مجازی و چه غیر آن، تحقق یافت، این ماده حاکم بر بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی خواهد بود و مرتکب را از دایره یک جرم خاص خارج کرده و در قلمرو جرم افساد فی الارض وارد می‌کند.

برای تشریح جامع موضوع، ابتدا باید مستندات قرآنی و روایی که فائلان به جرم‌انگاری مستقل

عنوان افساد فی الارض در فضای مجازی مورد توجه قرار داده‌اند، بررسی شود و پس از آن ماده ۲۸۶ و مصادیق افساد فی الارض در قوانین مختلف تحلیل و آثار پذیرش ماده ۲۸۶ بیان می‌گردد.

مستندات فقهی جرم‌انگاری افساد فی الارض در فضای مجازی

در بحث پیش رو، طرفداران وجود عنوان مستقل افساد فی الارض و مجازات اعدام می‌دانند که فقه شیعی فاقد چنین بحثی به صورت مستوفی است. اساساً با بخش مستقلی به عنوان مجازات مفسد که به بررسی شرایط تحقق و سایر احکام این جرم و مجازات سنگین بیردازند، مواجه نیستیم. تنها یکی از فقها - یعنی مرحوم ابن حمزه - در تیتیری از عنوان مفسد استفاده کرده‌است (شیخ طوسی، ۱۴۰۸ ق: ۴۲۳) که با مراجعه به کتاب، مشاهده می‌شود که منظور ایشان از مفسد، همان محارب است. تنها برخی از فقها در موارد محدودی در کتاب قصاص و حدود، برخی مجازات را حمل بر عنوان افساد کرده‌اند. بر وجود عنوان افساد فی الارض، به دو دسته دلایل استناد شده‌است: قرآن و روایات.

افساد فی الارض در علم حقوق در معنای اختلال در نظم عمومی به کار می‌رود. این اخلاص می‌تواند در زمینه خسارت شدید به اموال خصوصی و عمومی و یا ایجاد خسارت جسمی و یا اشاعه فحشا در جامعه باشد (مرعشی، ۱۶: ۱۳۷۷). در حقوق، اگر دو مرد عاقل در خصوص وقوع افساد فی الارض اقرار کنند و یا شهادت دهند، این جرم به اثبات می‌رسد. افساد فی الارض در بسیاری از متون فقهی در معنای محاربه به کار رفته‌است و می‌توان گفت که هیچ دیوار قابل اتکایی در بین فقها برای تمیز بین افساد فی الارض با محاربه ساخته نشده‌است و نمی‌توان ملاک و معیاری مشخص برای تمیز این دو در بین قاطبه فقها به دست آورد (ماوردی، ۲۴۶: ۱۴۰۹).

برای اثبات جرم افساد فی الارض و نیز مجازات آن، به آیه ۳۳ و ۳۴ سوره مائده ذیل عنوان محاربه استناد می‌شود: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ * إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ همانا مجازات کسانی که با خدا و پیامبرش جنگیده و سعی در افساد فی الارض دارند، این است که کشته شده یا به دار آویخته شوند یا دست و پاهایشان به عکس (از سر انگشتان) بریده شود یا تبعید شوند؛ مگر کسانی که پیش از دستگیری توبه کنند. بدانید که خدا آمرزنده و مهربان است.»

به طوری که از ظاهر آیه مستفاد می‌شود، آیه در مقام بیان مجازات یک جرم واحد است؛ چراکه صله

موصول "الذین" در ابتدای آیه، محاربه (با خدا و رسول) توأم با سعی در فساد فی الارض می باشد که مطابق فرمایش علامه طباطبایی (ره) در المیزان «کلمه فساد مصدری است که اینجا به جای حال نشانده شده است؛ یعنی در حال فساد در زمین فعالیت می کنند و آوردن جنگ با پیامبر در کنار جنگ خدا هم می رساند که منظور از این جنگ، باطل کردن اثر امور مورد ولایت و حکومت الهی پیامبر است که به امنیت عمومی دولت پیامبر صدمه می زند و جمله وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا که به دنبال محاربه و جنگ ذکر شده، منظور را معین می کند که همان فساد در زمین با اخلال به امنیت عمومی در زمین است نه هر جنگ و محاربه با مسلمانان (مثل جنگ کفار که احکام دیگری دارد). اضافه کنید استثنایی که در آیه بعدی شده و توبه کنندگان را از این مجازات عفو فرموده نیز شاهدی بر این است که منظور از این محاربه و جنگ همان فساد مزبور است. بنابراین، روشن است که منظور همان اخلال به امنیت عمومی با ایجاد خوف و هراس و نشاندن آن به جای امنیت که طبعاً و به حسب عادت جز با به کار بردن اسلحه و تهدید به قتل نمی شود و به همین جهت، در روایات فساد را به کشیدن شمشیر و نظیر آن تفسیر نموده اند» (طباطبایی، بی تا: ۴۹۶).

امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در تعریف محارب می فرماید: «المحارب هو كل من جرد سلاحه او جهزه لإخافة الناس و ارادة الافساد فی الارض»؛ یعنی محارب کسی است که شمشیرش را برهنه کند یا آن را تجهیز نماید تا مردم را بترساند و می خواهد در زمین افساد نماید. از کلام ایشان هم برمی آید که محاربه و افساد فی الارض را جرم واحدی می دانند» (خمینی، بی تا: ۲۳۸). البته در ماده ۲۷۹ قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز بدان اشاره شده است: «هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب به شمار نمی رود. به کارگیری واژه مردم در این ماده دلالت بر آن دارد که برای صدق عنوان محاربه باید نوعی "عمومیت" در جرم وجود داشته باشد».

افساد فی الارض از نگاه فقه و علم حقوق

در کل، می توان از دو منظر، افساد فی الارض را در خصوص فضای مجازی تحلیل کرد: اول، از نگاه فقه است که معنای افساد فی الارض، برپا کردن و آلوده ساختن منطقه و یا قسمتی از زمین از فساد است و دیگر اینکه، در حقوق جزا و کلیت علم حقوق، برهم خوردن نظم عمومی است که افساد فی الارض با توجه به آن تعریف می شود که در این رابطه، ایجاد ناامنی یا تضييع و تخریب اموال

عمومی و خصوصی یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد در مرکزیت تعریف افساد فی الارض قرار می‌گیرد.

"افساد فی الارض" مهم‌ترین جرم امنیتی در موازین و منابع فقهی محسوب می‌شود. خداوند شدیدترین مجازات‌ها را برای محاربان در نظر گرفته است. سند فقهی این جرم مهم، آیه ۳۳ سوره مائده است. در این آیه، علاوه بر جرم‌انگاری و تعیین مجازات مرتکبان این جنایت، به عمل دیگری نیز اشاره شده است. این عمل "فساد فی الارض" است. حقوق دانان در اینکه آیا این همان محاربه است، اختلاف نظر دارند. بسیاری از فقها و حقوقدانان "افساد فی الارض" را جرم مستقل از محاربه نمی‌دانند. در این بین، می‌توان گفت که «موضوع اجرای حد در آیه شریفه ۳۳ سوره مائده، با توجه به ملاک بودن سعی در فساد به عنوان علت تامه برای اجرای حد مفسد فی الارض بوده و محارب تنها یکی از مصادیق آن می‌باشد؛ بنابراین، اگر محاربه از طریق اینترنت مطابق با نظر فقها - که کشیدن سلاح را در تحقق آن شرط نموده‌اند - ناممکن باشد باز هم با توجه به تمام‌الموضوع بودن افساد فی الارض در آیه برای اجرای حد، می‌توان گفت که افساد فی الارض در فضای مجازی هم می‌تواند امکان تحقق داشته باشد؛ بنابراین، نکته مهم و قابل تأمل در این قضیه جهت احراز امکان افساد در فضای مجازی، اثبات تمام‌الموضوع بودن مفسد فی الارض در آیه شریفه ۳۳ سوره مائده برای اجرای حد است» (ایزدی فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۹).

محاربه و افساد فی الارض کمی بعد از انقلاب اسلامی وارد سیستم قضایی کشور شد. پس از آن که محاربه و افساد فی الارض در قانون محدودیت‌ها و مجازات‌ها که در سال ۱۳۶۱ تصویب شد، به‌طور رسمی وارد سیستم حقوقی ایران شد و بار دیگر، در سال ۱۳۷۱، با تصویب قانون مجازات اسلامی، مواد ۱۸۸ - ۱۹۶ به محاربه و افساد فی الارض اختصاص پیدا کرد. اما آنچه جالب‌تر است این است که در آخرین اصلاحات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار در اقدامی جدید، جرم افساد فی الارض را از زیرمجموعه جرم محاربه، به جرم مستقل تعریف کرد و نه تنها جرم‌انگاری از این منظر را محدود نکرد بلکه این دو جرم را به بسیاری از فعالیت‌های مختلف اجتماعی بسط داد. در نهایت، می‌توان بیان کرد که محاربه و افساد فی الارض از جمله جرایم بر ضد امنیت می‌باشند که بعد از انقلاب اسلامی بر اساس آیه ۳۲ و ۳۳ سوره مائده جرم‌انگاری شده‌اند. البته مصادیقی از آنها در قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب نیز به چشم می‌خورد. این دو عنوان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ در کنار هم به کار رفته‌اند و با توجه به ابهامات، در قانون مصوب ۱۳۷۰ تحولات نه‌چندان چشم‌گیری داشته‌اند؛ اما در قانون مصوب ۱۳۹۲ تحولات اساسی و مثبتی در آنها

صورت گرفته و عنوان مجرمانه مستقل پیدا کرده‌اند؛ چراکه از مصادیق محاربه کاسته و محدود به موارد خاص خود گردید. با تغییراتی که در مفهوم و مصادیق محاربه ایجاد شد، به تبع مصادیقی که در دیگر قوانین به عنوان محارب و یا در حکم محاربه وجود دارند، در صورت عدم مطابقت با محاربه باید دچار تغییر گردند یا باید بر اساس مواد قانونی دیگر (مانند جرم بغی و افساد فی الارض) تفسیر گردند (رورده و محسنی، ۱۳۹۸: ۱۵۳).

برای توضیح بیشتر و همان گونه که ذکر شد، برای پذیرش افساد فی الارض به عنوان جرم مستقل به چند آیه از قرآن استناد شده است که مهم ترین آن، آیه ۳۳ سوره مائده می باشد که صرف نظر از معانی فساد و مشتقات آن در قرآن و کتب لغت، به صورت مفصل در کتابها و مقالات مورد اشاره قرار گرفته اند (بای، ۱۳۸۵: ۳۰).

باید گفت که در دو صورت می توان این آیه را دلیل جرم افساد دانست؛ حالت اول، زمانی است که این به اثبات برسد که آیه در مقام بیان دو جرم مستقل یعنی محاربه و افساد و جرم انگاری برای این دو عنوان است؛ صورت دوم، زمانی است که این امر به اثبات برسد که آیه شریفه در مقام بیان یک جرم - یعنی افساد فی الارض - بوده و محاربه به عنوان یکی از مصادیق این جرم مورد اشاره قرار گرفته است. در هر دو حالت، اگر مدعی استدلال کنندگان به اثبات رسید، ایشان باید قائل شوند که برای مفسد چهار مجازات مختلف در نظر گرفته شده است و نه تنها یک مجازات و آن هم اعدام است.

اصلی ترین اشکال وارد به این ادعا، مخالفت این ادعا با قواعد ادبیات عربی است. بر اساس ادبیات عربی، اگر آیه می خواست دو جرم را مورد اشاره قرار دهد، باید اسم موصول "الذین" پیش از عبارت "یسعون" ذکر می شد؛ در حالی که در آیه شریفه، اسم موصول تکرار نشده است؛ از این رو، به هیچ عنوان نمی توان ادعای دوگانگی جرم انگاری را در این صورت مورد قبول قرار داد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۶۳۸). در صورت دوم، مدعی استدلال کنندگان آن است که دلیل ترتب مجازات بر محارب آن است که وی مفسد فی الارض است؛ یعنی علت اصلی جرم انگاری و تعیین مجازات در آیه شریفه، مفسد بودن شخص محارب است؛ بنابراین، هر شخصی که به نحوی روی زمین فساد انگیزی می کند، مشمول این آیه شریفه است و باید همان مجازات را در مورد وی به مرحله اجرا در آورد؛ بنابراین، رابطه بین محاربه و افساد، رابطه عموم خصوص مطلق است و محاربه یکی از مصادیق مفسد فی الارض می باشد (همان). پس چرا از محاربه در آیه نامی به میان آورده است؟ مگر نه اینکه ذکر افساد به تنهایی کافی بود؟ پاسخ آن است که ذکر محاربه با خدا و رسول در ابتدای آیه، به منزله

ایجاد آمادگی ذهنی برای بیان بزرگی خطر فساد در زمین است. این ادعا، بی شک، خلاف ظهور آیه شریفه است. ذکر عام بعد از خاص به دلیل نیاز دارد؛ در غیر این صورت، چیزی بیش از ادعای بدون دلیل نخواهد بود. به علت عدم ظهور آیه شریفه، بیشتر فقها چنین برداشتی را از این آیه مطرح نکرده‌اند. در کنار دو احتمال مذکور، احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه، احکام مذکور در آیه شریفه بر جمع دو عنوان محارب و مفسد مترتب است؛ یعنی محاربی که از باب افساد اقدام کرده باشد که در این حالت، محارب زمانی متصف به عنوان افساد است و زمانی متصف به این عنوان خواهد بود. در هر حال، از آنجا که چنین احتمالات سه‌گانه‌ای در آیه شریفه وجود دارد، باید گفت که آیه اجمال دارد و نمی‌توان آن را متمسک ثبوت چنین عنوان مجرمانه‌ای تلقی کرد (گلیپایگانی، ۱۴۱۲: ۳۱۷).

افساد فی الارض در روایات

روایتی در خصوص قتل نواصب و کفار در سرزمین تقیه وارد شده است؛ به این مضمون که در سرزمین تقیه، کشتن ناصبی‌ها و کفار جایز نیست مگر آنکه قاتل باشند یا سعی کننده در فساد باشند؛ به شرط آنکه ترسی در مورد خود وجود نداشته باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۲۱۰). بنا بر استدلال، حکم سعی کننده در ایجاد فساد، قتل است؛ چراکه امام کشتن این افراد را جایز دانسته و فرموده‌اند که حتی در دار تقیه نیز می‌توان به قتل قاتل و نیز مفسد اقدام کرد؛ بنابراین، در دارالامان به طریق اولی این امر جایز است. در مورد این استدلال باید گفت که نخست، موضوع روایت تنها کفار و ناصبی‌ها هستند و از این نظر، روایت در مقام بیان حکمی در خصوص مسلمانان نیست؛ بنابراین، موضوع روایت خاص است و نه عام؛ دوم، احتمالی وجود دارد و آن اینکه، روایت در مقام بیان حکم تقیه است و اینکه قتل کافران و ناصبی‌ها - که فی نفسه قتل شان حلال است - در حالت تقیه حلال نیست مگر اینکه قاتل یا برپاکننده فساد باشند که در این حالت، قتل آنها نه به سبب اعتقاد کفرآمیز ایشان است بلکه به عنوان قصاص یا دفاع یا دفع فساد و تجاوز آنهاست و این منافاتی با تقیه ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶: ۵۹). به عبارت دیگر، حدیث در مقام بیان مستثنی منه است نه مستثنی پس مستثنی اطلاق ندارد (منتظری، ۱۳۸۷: ۲۵۰).

روایت بعدی در خصوص احراق عمدی است که از امام صادق (ع) در مورد فردی که مرتکب احراق عمدی در منزل مسکونی گروهی از مردم شده است، پرسیده شده است و امام (ع) حکم به مجازات اعدام در مورد وی داده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۸: ۳۱۵). در مورد این روایت، بحثی میان فقها

در گرفته‌است مبنی بر اینکه قتل چنین شخصی از چه بابی است؛ قصاص یا افساد؟ برخی مانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۶۱) و علامه حلی (ابن مطهر، ۱۴۱۹، ۹: ۳۹۴) قتل چنین شخصی را از باب افساد دانستند. صاحب شرایع با تأکید بر ضعف سند روایت، مجازات اعدام را در حالتی که شخص به صورت مکرر اقدام به آتش افروزی نموده باشد، مقرر کرده‌است (حلی، ۱۴۱۲، ۳: ۴۱۸). اما انصاف آن است که نمی‌توان در این مورد، ملتزم به بحث افساد شد بلکه مجازات خاصی در روایات با شرایط خاص در مورد جرم احراق به صورت گسترده وارد شده‌است. وجود چنین روایتی در موردی خاص، به چه دلیل می‌تواند مستندی جهت قبول مجازات اعدام برای مفسدان باشد؟ روایت بعدی در مورد مجازات معتاد به قتل اهل ذمه است. یکی از شروط قصاص، تساوی در دین است؛ بنابراین، اگر مسلمان عادت به قتل اهل ذمه نماید، کشته خواهد شد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۹: ۱۰۷). در این مورد که کشتن مسلمان در برابر شخص ذمی از باب قصاص است یا از باب فساد، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. فقهایی چون محقق حلی، صاحب جواهر، محقق خویی و امام خمینی (ره) معتقدند که از باب قصاص مسلمان کشته خواهد شد (خمینی، ۱۳۸۴: ۹۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۴۲: ۱۵۵؛ خویی، ۱۴۲۰: ۲۴۲). اما فقیهانی مانند علامه حلی (ابن مطهر، ۱۴۱۹، ۹: ۳۲۴) و شهید ثانی (جلی‌العالمی، ۱۴۱۳، ۱۵: ۱۴۲) کشتن چنین مسلمانی را از باب فساد دانسته‌اند. در این مورد نیز باید گفت اینکه برخی فقها چنین قتلی را از باب فساد دانسته‌اند، فقط بیان توجیهی از سوی ایشان بوده‌است؛ هر چند که چنین توجیهی برخلاف ظاهر روایات است؛ چراکه ظاهر روایات در خصوص قتل مسلمانان در مقابل غیرمسلمان وارد شده‌است و چنین پرسشی ظهور در قصاص و مقابله نفس در برابر نفس دارد و از سوی دیگر، پاسخ امام نیز ظهور در این دارد که قتل مسلمانان در مقابل غیرمسلمان از باب قصاص است؛ چراکه چنین مسلمانی در قبال فرد غیرهمتراز کشته می‌شود و این خود، نوعی ذلت برای او محسوب می‌شود (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۶: ۶۴).

افساد فی الارض در حقوق کیفری ایران

مهم‌ترین قوانینی که مجازات اعدام را به استناد افساد مورد پذیرش قرار داده‌اند، به قرار زیر است:

۱. قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷

ماده ۶ این قانون مقرر داشته‌است که مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱۲۳ مواد ۴ و ۵ برای بار دوم، یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم، دو برابر میزان مقرر در هر بند و در مرتبه‌های بعد، به ترتیب دو و نیم، سه و نیم و... برابر مجازات مذکور در هر بند خواهد بود.

مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر ۷۴ ضربه است. در موارد مذکور، چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموعه موادمخدر به بیش از پنج کیلوگرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. ماده ۱۹ قانون مزبور مقرر داشت که مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم، یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم، دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر ۷۴ ضربه است. در مرتبه چهارم، چنانچه مجموعه موادمخدر در اثر تکرار به ۳۰ گرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. در اصلاحیه سال ۱۳۷۶، عنوان مفسد فی الارض از ماده ۶ حذف شد؛ اما بدیهی است که با توجه به ماده ۹۱ و نیز سابقه قانون در سال ۱۳۶۷ وجود مجازات اعدام تنها از باب افساد توجیه پذیر است و نمی‌توان مجازات اعدام را مشمول عنوان دیگری کرد. در ماده ۱۸ اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون گذار مقرر کرده است که هر کس برای ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه‌گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد، به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد، به حداکثر مجازات عمل مجرمانه محکوم می‌شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود.

۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

قانون مجازات اسلامی در برخی از مواد، به مجازات افساد اشاره کرده است؛ هر چند که در این موارد، محاربه را نیز در کنار افساد آورده است. با توجه به تعریف محاربه، این موارد به عنوان افساد مورد حکم قرار گرفته‌اند؛ چون ارکان محاربه در این موارد تمام نیست. یکی از این موارد، تبصره یک ماده ۶۸۷ بخش تعزیرات است که قانون گذار در ذیل جرم خرابکاری در تأسیسات مورد استفاده عمومی بیان داشته است که در صورتی که مال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت.

مورد دیگر، ماده ۵۰۴ بخش تعزیرات است که در مورد تحریک نیروهای مسلح به نافرمانی و فرار و تسلیم مقرر می‌دارد: در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد، محارب محسوب می‌شود. امثال این موارد، بی‌شک، در ادبیات فقهی محاربه نیستند بلکه قانون گذار مجازات محارب را بر موردی بار کرده است که به نظرش مصداق افساد فی الارض است. موارد دیگری از عنوان محارب را قانون گذار در مواد ۴۹۸، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۲۶، ۶۱۰،

۶۱۷، ۶۵۳، ۶۵۴ و تبصره ۶۷۵ و نیز ماده ۶۸۳ بخش تعزیرات استفاده کرده است که در بیشتر این موارد، محارب بر مفسد اطلاق شده است.

۳. قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می کنند؛ اصلاحی سال ۱۳۸۶
ماده ۳ این قانون مجازات مفسد فی الارض را در مورد امور اخلاقی مورد قبول قرار داده و مقرر داشته است که عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن، چنانچه عوامل فوق الذکر یا افراد زیر مصداق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می شوند.

۴. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

شاید بتوان ادعا کرد که بیشترین اعدام در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ذکر شده است. قانون گذار در مواد مختلفی مانند ماده ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۴، ۵۱، ۶۱، ۶۴، ۷۱، ۸۰ و... به مجازات محارب اشاره کرده است که بی شک، بیشتر این موارد از مصادیق محاربه نمی باشد بلکه قانون گذار به عنوان مفسد مجازات محارب را بر افراد بار کرده است.

۵. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷

ماده ۴ این قانون مقرر می دارد کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، به جزای نقدی معادل مجموع اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند، مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

۶. قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹

قانون گذار در بندهای شش گانه ماده یک این قانون، به رفتارهایی اشاره کرده است که ارتکاب آنها ممنوع است؛ سپس در ماده دو، مجازات اعدام را در قالب جرم افساد برای برخی از مرتکبان بندهای شش گانه معین کرده و مقرر داشته است که هرگاه یکی از اعمال ذیل به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام اسلامی صورت گرفته باشد، چنانچه عمل مزبور در حد افساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام محکوم می شود.

۷. قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و

مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۹

در این زمینه نیز اشاره به افساد فی الارض و اعدام شده است. در بیشتر قوانین مذکور، قانون گذار بدون روشن ساختن مفهوم مفسد و افساد فی الارض از عبارت مبهم «اگر مصداق مفسد فی الارض باشد» به قانون گذاری پرداخته است. همچنین، برای قانون گذار مسلم بوده است که مجازات

مفسد فی الارض اعدام است و نه مجازات‌های چهارگانه. نکته مهم این است که بخش عمده این جرم‌انگاری‌ها از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

تحلیل ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

طبق ماده ۲۸۶، هر کس به‌طور گسترده مرتکب جنایت بر ضدّ تمامیت جسمانی افراد یا جرایم بر ضدّ امنیت داخلی یا خارجی یا نشر اکاذیب یا اخلال در نظام اقتصادی کشور یا احراق و تخریب یا پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور یا ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

باید به‌صورت جداگانه و با تکیه بر فضای ارتكابی جرم (یعنی فضای مجازی) به عناصر سه‌گانه جرم اشاره نمود. اولین عنصر، عنصر قانونی است. قانون‌گذار ابتدا ۸ دسته جرایم را موضوع این ماده قرار داده است: ۱. جنایت بر ضدّ تمامیت جسمانی افراد؛ ۲. جرایم بر ضدّ امنیت داخلی یا خارجی؛ ۳. نشر اکاذیب؛ ۴. اخلال در نظام اقتصادی؛ ۵. احراق؛ ۶. تخریب؛ ۷. پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک؛ ۸. دایر کردن مراکز فساد و فحشا. آنگاه معاونت در تمامی این موارد را نیز مفسد دانسته است که تا اینجا ۱۶ عنوان مجرمانه را شامل می‌شود. اما نکته این است که تمامی هشت عنوان، عناوین کلی هستند؛ برای مثال، جنایت بر ضدّ تمامیت جسمانی شامل قتل، ضرب، جرح، سقط جنین، منازعه، اسیدپاشی و... می‌باشد. جرایم بر ضدّ امنیت داخلی یا خارجی مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ را دربرمی‌گیرد و این مورد، در خصوص سایر جرایم نیز مصداق می‌یابد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار بیش از ۵۰ جرم را در این ماده با مجازات اعدام مواجه کرده است. از سوی دیگر، پرسش مهمی در این خصوص مطرح است و آن این است که نسبت میان این ماده و سایر قوانین که مجازات اعدام را برای مفسدان در نظر گرفته است و در بخش قبل به آن اشاره شد، چیست؟ به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در مقام نسخ قوانین قبلی نیست بلکه در مقام توسعه عنوان مفسد فی الارض به مصادیقی است که قوانین قبلی آنها را دربرگرفته است. از سوی دیگر، باید گفت که این ماده عام است و قوانین پیشین خاص و عام موخر نمی‌تواند خاص مقدم را نسخ کند.

عنصر بعدی، عنصر مادی جرم است. آنچه بیش از همه در این ماده چشمگیر است، استفاده از واژه‌های مبهم مانند "به‌طور گسترده" یا "موجب اخلال شدید" یا "ورود خسارت عمده" یا "اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع" و این ابهام زمانی بیشتر می‌شود که به‌دنبال رکن مادی جرم در

فضای مجازی باشیم. "به طور گسترده" قید رفتار مجرمانه است و "اخلال شدید"، "خسارت عمده" و "اشاعه در حد وسیع" قیودی برای نتیجه مجرمانه تلقی شده است. پرسش آن است که معیار در احراز و شناخت این عناوین چیست؟ هیچ شاخص و سنجه‌ای بر این امر ارائه نشده است و ظاهراً تنها قاضی است که می‌تواند این مسئله را احراز کند. از سوی دیگر، باید گفت که جرم مندرج در ماده ۲۸۶، جرم مقید است؛ یعنی مقید به پنج قید که شامل ۱. اختلال شدید در نظم عمومی کشور؛ ۲. نامنی؛ ۳. ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد؛ ۴. ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی؛ ۵. اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع می‌باشد. با توجه به نتایج پنج‌گانه مذکور، به نظر می‌رسد که اکثر قریب به اتفاق جرایم می‌توانند مشمول ماده ۲۸۶ قرار گیرند؛ اما چنان که گذشت، این تقیید به جای آنکه بتواند مانعی در مسیر اثبات جرم ایجاد کند، فقط بر ابهام در خصوص تحقق جرم می‌افزاید.

شاخص برهم زدن یا نزدن یا برهم زدن اندک نظم عمومی کشور چیست، چه اموری موجب برهم زدن نظم عمومی کشور می‌شود و چه زمانی می‌توان ادعا کرد که نظم عمومی کشور به صورت شدید مختل شده است؟ ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی نیز از نظر حقوقی و قانونی، قابل اندازه‌گیری نیست. از بین بردن یا دستور به از بین بردن در فضای مجازی یا تحریک به تخریب چند ساختمان یا وسیله نقلیه یا باغ را می‌توان خسارت عمده دانست؟ خسارت عمده بر فرد معیار است یا اینکه خسارتی که عرف آن را عمده تلقی کند معیار است؟

اشاعه فساد و فحشا نیز مانند موارد بالا قابلیت اندازه‌گیری ندارد. در این نتیجه نیز حوزه‌ای که باید معیار سنجش باشد، مشخص نیست. از یک سو، تحقق فساد و فحشا روشن نیست و از سوی دیگر، وسعت این امر محل تأمل است؛ پس آیا باید به صورت بالفعل بخش‌هایی از جامعه به فساد و فحشا کشیده شوند؟ اگر در فضای مجازی، فیلمی پخش یا تصاویر مستهجن منتشر شد، در چه صورتی می‌توان به وسعت‌سنجی این امر اقدام کرد؟ صرف نظر از نکات مذکور، شاید بتوان با برخی از تفاسیر، از این عنصر مادی اثر متفاوتی را به دست آورد. توضیح آنکه، بسیاری از قوانین کشور، مجازات اعدام را برای برخی از جرایم تعیین کردند؛ مانند بند ۴ ماده ۲، بند ۴ ماده ۴، بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۵، ماده ۶، بند ۶ ماده ۸، مواد ۹، ۱۱، ۱۸ و ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و موارد دیگر که پیش‌تر ذکر شد.

از سوی دیگر، قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی با عدم ذکر مجازات اعدام در ماده ۱۹ این امر را

مسلم دانسته است که اساساً اعدام نمی تواند در قالب مجازات تعزیری مورد حکم قرار گیرد؛ بنابراین، هر مجازات اعدامی که در قوانین ذکر شده است، باید جزو حدود قلمداد شود و باید در تمامی مجازات مندرج در قوانین مختلف جزایی، این قیود مدّ نظر قرار گیرد و دیگر دادرسی نمی تواند به این بهانه که قانون گذار، خود، مجازات اعدام را به استناد افساد برای رفتارهای خاصی مقرر کرده است، به صدور حکم اعدام اقدام کند؛ چراکه پیش از این، قانون گذار به تعریف جرم افساد و بیان قول مختلف همت گمارده بود، اما در سال ۱۳۹۲ به روشنی به تعریف جرم افساد فی الارض پرداخت؛ به همین سبب، باید گفت که در خصوص تمامی رفتارها به خصوص در مورد مرتکبان جرایم مواد مخدر، باید این قیود مدّ نظر باشد و اگر این قیود احراز شد، دادرسی اقدام به صدور حکم اعدام کنند و در غیر این صورت، باید بر اساس تبصره ماده ۲۸۶ به حبس درجه ۵ و ۶ حکم داد (برهانی، ۱۳۹۴: ۱۹). در مواردی که قانون گذار بر همین مبنا، افرادی را در حکم محارب یا در حکم محارب و مفسد قرار داده است که با تعریف ماده ۲۷۹ تطبیق ندارد، با توجه به تفکیک مفهوم محاربه و افساد و دوگانه دانستن این دو جرم، باید عناصر آن جرایم نیز با قیود چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۶ تطبیق داده شود؛ چراکه دیگر آن جرایم محاربه نیستند و افساد فی الارض شناخته می شوند.

عنصر سوم، عنصر روانی جرم می باشد. در عنصر روانی، چهار نکته باید بررسی شود: علم به موضوع و سوءنیت آن و سوءنیت خاص و انگیزه قانون گذار. برخلاف بسیاری از موادی که در بخش پیشین اشاره شد، انگیزه خاصی را در این ماده مورد اشاره قرار نداده است؛ بنابراین، مرتکب، چه به انگیزه های شخصی، چه به انگیزه های سیاسی، چه بر اساس انگیزه های مادی یا اجتماعی، چه در فضای مجازی و چه واقعی مرتکب جرم موضوع ماده ۲۸۶ شود، افساد تحقق یافته و بر این اساس، تحقق این جرم بسیار راحت تر از گذشته امکان پذیر است. از سوی دیگر، هر چند جرم موضوع ماده ۲۸۶ در ظاهر مقید است اما به نظر می رسد که برای محکومیت شخص نیازی به اثبات سوءنیت خاص مرتکب و خواست وی نسبت به نتایج مندرج در ماده نیست؛ یعنی مقام تعقیب و مقام صادرکننده رأی تنها باید اثبات کنند که این نتایج مبهم بر رفتار مرتکب مترتب شده است. اما اساساً اشاره ای به این مهم نشده است که این نتایج را می خواسته است یا خیر. به خصوص آنکه طبق ماده ۱۴۴، در تحقق جرایم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن باید محرز شود. تنها باید مرتکب ضمن آگاهی نسبت به موضوع جرم و رفتار خویش، به صورت آگاهانه اقدام به جرایم مندرج در ماده کرده باشد.

فضای مجازی و افساد فی الارض

سوالی که در ابتدای این مبحث مطرح می‌شود این است که با توجه به اینکه فقهای گذشته در رابطه با دو مفهوم فضای مجازی و ارتباط آن با افساد فی الارض سخنی به میان نیاورده‌اند، چگونه می‌توان به تحلیلی درست در این باره رسید؟ در پاسخ می‌توان گفت که با تلفیق نظرات برخی از فقها و مصادیق افساد فی الارض و همین‌طور فضای مجازی، این مهم را می‌توان تحلیل نمود. واضح است که در فضای مجازی، امکان فساد وجود دارد؛ اما اگر از نگاه فقه به این قضیه نگریسته شود، می‌توان به آیه «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسول و یسمعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض^۱» رجوع نمود که به عقیده برخی از فقها، در این آیه محاربه و افساد فی الارض مطرح شده‌است؛ مسئله‌ای که توسط برخی از فقها رد شده‌است و در واقع، برخی از فقها قائل به خلط دو مفهوم در یک حکم نیستند. امام خمینی (ره) بر این قول است که مراد از افساد فی الارض در آیه فوق، مطلق افساد نیست و کسانی که تجرید سلاح نکرده‌اند اما مفسد باشند، چنین حکمی درباره آنها جاری نیست: «لایثبت الحکم للطیع و هو المراقب للقوافل و نحوها لیخبر رفقاءه من قطاع الطریق و للردء و هو المعین لضبط الاول» (خمینی، بی تا: ۴۹۲)؛ یعنی حکم محارب برای کسانی که رفت و آمد قافله را مراقبت می‌کنند تا دوستان محارب خود را خبر دهند و برای ردء که در ضبط و نگهداری اموال به محاربین کمک می‌کند، حکم مذکور ثابت نیست. در اینجا بین محاربه و افساد فی الارض تفاوت ایجاد می‌شود و در واقع، نمی‌توانیم حکم دائر بر آیه را دائر مدار افساد بدانیم. این در حالی است که علامه طباطبایی (ره) نظری دیگر را در این زمینه مطرح نموده‌اند. ایشان محاربه و افساد فی الارض را در آیه ۳۳ مانند یکدیگر دانسته و بر این قائلند که بین آنها، این همانی وجود دارد (طباطبایی، بی تا: ۳۲۶). استدلال ایشان نیز با توجه به رفتار پیامبر (ص) بعد از پیروزی بر محاربین از کفار است که با آنها از راه قتل، صلب و قطع من خلاف و نفی بلد رفتار نمودند. به عقیده ایشان، محاربه و افساد موجب اخلال در امنیت عمومی جامعه می‌شوند. برخی از فقهای معاصر در این زمینه، به نسبت عموم و خصوص مطلق میان افساد و محاربه تصریح نموده‌اند؛ به این ترتیب که هر محاربه مفسد فی الارض است اما هر مفسدی محارب نیست.

در خصوص محاربه، بسیاری از فقها، وجود اسلحه در برهم خوردن نظم جامعه را شرط این جرم می‌دانند؛ حال با توجه به اینکه در فضای مجازی، سلاح فیزیکی در معنای عام آن وجود ندارد، آیا

می‌توان جرایم فضای مجازی را نیز ذیل افساد فی الارض و قاعدتا محاربه به حساب آورد؟ در این میان، فقهای چو موسوی اردبیلی نظری دیگر دارند و تشهیر سلاح و یا حمل آن را شرط اساسی برای محاربه ندانسته‌اند و برهم‌زدن نظم عمومی جامعه و خلق و بسط ترس و وحشت عمومی را به‌عنوان شرط محاربه آورده‌اند (اردبیلی، ۱۴۲۷: ۵۱۴). اگرچه در این قول، ابزار ارتباطی فضای مجازی وجود ندارد اما می‌توان در این مسئله تدقیق به عمل آورد؛ چه اینکه بنا به نظر آیت‌الله موسوی اردبیلی، اینکه فردی بخواهد با شکندن سد، موجبات ترس و وحشت را با ایجاد سیلاب در بین مردم در معرض خطر ایجاد کند، حکم بر محاربه است؛ بنابر این قول، می‌توانیم جرم در فضای مجازی را در ذیل قول آیت‌الله موسوی اردبیلی تحلیل کنیم؛ چه اینکه، کسی که با استفاده از فضای سایبر، موجبات ترس و وحشت عمومی را فراهم نماید، به نظر می‌رسد که حکم محاربه می‌تواند بر او صادق باشد؛ چراکه در ایجاد و دامن‌زدن، در برهم‌خوردن نظم جامعه و اختلال در امنیت اجتماعی نقش داشته‌است. در این بین، چون در گستره فقه، افساد فی الارض جدا از محاربه نیست، بنابرین، می‌توان گفت که به‌هم‌ریختن نظم جامعه به‌واسطه فضای مجازی، در ذیل افساد فی الارض قرار می‌گیرد. در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران، عنوان خاصی برای جرم محاربه مجازی در نظر گرفته نشده‌است؛ اما با توجه به ماده ۲۷۹ قانون مجازات، چنانچه بتوان تشهیر سلاح در فضای مجازی را فرض نمود، می‌توان به جرم محاربه در فضای مجازی قائل شد. ذیل این عنوان، دو نوع متفاوت از رفتارهای مبتنی بر رایانه و فضای مجازی را می‌توان متصور شد: نخست، استفاده از رایانه و فضای مجازی به‌عنوان سلاح بر ضد مردم و دیگری، استفاده از سلاح در فضای مجازی و اخافه مردم.

بر این اساس، از لابه‌لای کلمات فقها در خصوص صدق عنوان مفسد فی الارض، به دو عنصر مهم برمی‌خوریم که برای محقق‌شدن جرم افساد فی الارض باید آن دو عنصر احراز شود: اول، فساد و جرم به‌صورت عادت درآید یا حداقل بیش از یک یا دو بار تکرار شود یا عمل به‌گونه‌ای باشد که آثار سوء آن به چند نفر دیگر سرایت کند. اصولاً در تمام مواردی که عنوان مفسد فی الارض را آورده‌اند، این عنصر به چشم می‌خورد. دوم، جرم و عمل موجب لطمه به اجتماع شود و جنبه عمومی پیدا کند؛ خواه امنیت و نظم اجتماعی را به مخاطره اندازد و یا دین، ناموس و اموال را در سطح جامعه تهدید نماید. اصولاً جرایمی که آثار آن از مرز خود مرتکب تجاوز نمی‌کند، افساد بر آن صدق نمی‌کند؛ بنابرین، عنوان حدی افساد فی الارض بر آن صادق نمی‌باشد. باید توجه داشت که منظور از "ارض" در این عنوان، جامعه انسانی است و نه صرف زمین؛ بنابرین، عنصر مهم دیگر

افساد فی الارض را احراز شیوع فساد در سطحی از جامعه - حداقل سه نفر به بالا - باید به حساب آورد (تبریزی، ۱۳۸۷: ۶۴). بر این مبنا، مطابق قول مشهور فقها و قانون مجازات اسلامی، امکان تحقق جرم محاربه و افساد فی الارض رایانه‌ای بسیار کم است؛ زیرا در جرایم رایانه‌ای نوعاً اسلحه‌ای به کار نمی‌رود تا محاربه تحقق یابد. البته روشن است که این سخن به این معنا نیست که حتی در زمان‌های آینده نیز امکان تحقق محاربه رایانه‌ای بر اساس دیدگاه مشهور فقها وجود نداشته باشد، بلکه اگر در آینده اسلحه‌ای الکترونیکی پدید آید که قابلیت به وجود آوردن آسیب‌های جسمانی و ایجاد رعب و وحشت را داشته باشد و عرفاً سلاح نامیده شود، هر گاه شخصی آن را به قصد ایجاد رعب و وحشت به کار گیرد، محارب محسوب خواهد شد. در هر حال، مقابل دیدگاه مشهور، قول دیگری نیز در بین فقهای معاصر به چشم می‌خورد که بر اساس آن، اسلحه کشیدن از جهت ذکر مصداق بوده و در تحقق محاربه موضوعیت ندارد، بلکه محاربه با سلب امنیت عمومی، به هر طریقی که باشد، محقق می‌شود. در این باره نوشته شده است که: «از ادله استفاده می‌شود که در محارب، ملاک، ناامنی و درهم‌ریختگی امنیت جامعه است، تشهیر سیف به عنوان مثال گفته شده است و هر عملی که ایجاد ناامنی کند و موجب ترس و وحشت شده باشد، محاربه به حساب می‌آید» (رضانژاد، ۱۳۹۲: ۷۹).

مطابق این دیدگاه، هر نوع عمل رایانه‌ای را که به قصد ایجاد رعب و وحشت صورت گرفته است و موجب ایجاد ناامنی در جامعه شود، می‌توان محاربه رایانه‌ای به حساب آورده و مرتکب آن را به مجازات محارب محکوم ساخت. بعید نیست که بتوان انتشار اخبار کذب و شایعات بی‌پایه‌ای را که به قصد ایجاد ناامنی و ایجاد رعب و وحشت از طریق اینترنت به عمل آید، محاربه رایانه‌ای دانست. دیدگاه مزبور، اگرچه با اطلاق آیه محاربه منطبق است اما از حیث فقهی با مضمون روایاتی که در ذیل آیه شریفه وارد شده و محاربه را به "تشهیر السلاح" تفسیر کرده اند و نیز با دیدگاه مشهور فقهای امامیه مخالف است. علاوه بر آن، با قاعده درء نیز که حد را در موارد مشکوک برمی‌دارد، در تضاد است؛ از این رو، خروج از قول مشهور و پذیرش جرم محاربه رایانه‌ای مشکل به نظر می‌رسد (بای، ۱۳۸۸: ۴۱۵). برهم خوردن امنیت جامعه و نظم آن می‌تواند عاقبت وحشتناکی را به وجود آورد؛ بنابراین، اخلال و تشویش در امنیت عمومی، نظم جامعه را به خطر می‌اندازد و محوریت قانون را زیر سوال می‌برد که می‌تواند به عنوان افساد در نظر گرفته شود. در فضای مجازی، این امکان وجود دارد که شخص یا گروهی، مردم را به برهم زدن نظم جامعه و عدم پیروی از قانون تشویق کنند و یا با دادن قول‌هایی مبنی بر پاداش به افرادی که در اخلال در نظم عمومی

قدم برمی دارند، موجبات ترس و اضطراب جمعی را پدید آورند. اینجاست که پای علوم حقوق با محوریت قانون به میان می آید. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در رابطه با افساد فی الارض و مجازات آن مقرر داشته است: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت بر ضدّ تمامیت جسمانی افراد، جرایم بر ضدّ امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد. تبصره - هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود».

مصادیق افساد فی الارض در فضای مجازی

یکی از مصادیق مفسدین فی الارض، اشاعه کنندگان فحشا در فضای سایبری یا مجازی هستند که در اصطلاح، به عمل مذکور، هرزه نگاری جنسی گفته می شود و می توان آن را در ذیل افساد جنسی جای داد. «هرزه نگاری جنسی تصویری از رفتارهای جنسی است که هدف آن، ایجاد هیجان جنسی در مخاطبان خود است. فضای مجازی و اینترنت، هرزه نگاری جنسی آنلاین را به وجود آورده است که به راحتی در اختیار اعضای جامعه قرار می گیرد؛ امری که می تواند موجب ترویج خشونت جنسی، تمایل به شریک های جنسی متعدد و اشاعه اعمال خلاف اخلاق در جامعه شود» (McCormack, 2017). از نظر حقوقدانان مشهور، هرکسی که مرتکب عملی ممنوعه شود و یا تعهدی را ترک کند، مستحق مجازات تعزیری است. طبق این مقدمه، اگر ثابت شود که هرزه نگاری جنسی عملی ممنوع است - طبق یک اصل شناخته شده - جعل مجازات تعزیری برای مرتکب، توجیه و تأیید شرعی دارد (گلدوزیان، ۱۳۹۰: ۲۴)؛ بنابراین، می توان گفت که در فضای مجازی، در ساخت و انتشار تصاویر و فیلم های مستهجن، تسریع به عمل می آید؛ عملی که در ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه ای نیز بدان پرداخته شده است: «هرکس به وسیله سیستم های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده، محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت

تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد^۱.

همچنین، در قوانین ایران، قانون مجازات اسلامی در مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ به این مسئله اشاره دارد و ماده ۳ قانون مجازات اشخاص فعال در امور سمعی و بصری نیز مجازات حبس و جزای نقدی داشته و در صورت تکرار، عامل را به افساد فی الارض محکوم می نماید.

یک مصداق در این رابطه، ارباب و ترس در فضای مجازی است. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ جرم را این گونه تعریف می کند: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود». در این خصوص، معیار علم قاضی است که شخص یا گروهی را که در فضای مجازی از طرق مختلف، اقدام به هراس افکنی در جامعه می کنند، مجازات کند. در فقه نیز این امر با داشتن و ارباب به واسطه سلاح، معنا می شود. صاحب جواهر، افساد فی الارض را به تجریدالسلاح تفسیر کرده است. سعی در فساد را همان تجریدالسلاح معنی کرده اند و آن محاربه با خدا و رسولش دانسته اند و علت این امر آن است که محاربه با خدا و رسول، در حقیقت، همان محاربه با بندگان خداست و محاربه با آنها از راه تجرید سلاح صورت می گیرد (نجفی، ۱۴۰۷: ۵۷۰). از جمله مصادیق دیگر افساد سیاسی و اقتصادی است. «بخش عمده عنوان محاربه و افساد فی الارض در جرایم بر ضد امنیت، مربوط به مواردی است که لطماتی متوجه نظام سیاسی و یا اقتصادی شود» (حائری، ۱۳۹۱: ۵۱). این امر می تواند گستره بیشتری نیز داشته باشد؛ رشاء و ارتشاء، پول شویی و اخلال در نظام اقتصادی در سطح کلان و نظام بانکی کشور نیز می تواند به عنوان نمونه هایی از فعالیت هایی که امکان انجام آن در فضای مجازی وجود دارد، مطرح شود. در این خصوص، می توان به فعالیت برخی از کاربران در فضای مجازی اشاره کرد که از طریق سایت های شرط بندی، موجبات وارد آمدن خدشه به سیستم اقتصادی کشور و بدبینی جامعه را پدید می آورند.

بر این اساس، از نظر حقوقی، طراحی و جرم انگاری افساد فی الارض موضوعی است که از بسیاری جهات با مفاهیم اساسی حقوقی مطابقت ندارد. یکی از دلایل این است که طبق یکی از اساسی ترین

۱. تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه ای؛ هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک تا پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه ای؛ چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود، چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه ای؛ محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی اطلاق می شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

اصول حقوق کیفری، قانون کیفری باید محدود و به نفع متهم تفسیر شود که در آن، بندهای نامحدود در ماده ۲۸۶ به طور گسترده استفاده شده است. از طرف دیگر، برای همه جرایم، به ویژه آنهایی که منجر به مجازاتی مانند اعدام می شوند، مفاهیم جرم‌انگاری باید بسیار واضح و شفاف باشند؛ در حالی که ماده ۲۸۶ مثال روشنی برای هیچ‌یک از عناوین کیفری ارائه نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار تشخیص و تفکیک این موارد را فقط برعهده قضات نهاده و در نتیجه، علم حقوقی را به دانش شخصی قاضی محدود کرده است. در این خصوص، به نظر می‌رسد که بایسته است تا در زمینه فقهی و حقوقی، هم‌اندیشی‌هایی بین فقها و حقوقدانان صورت گیرد تا در خصوص جرایم جدیدی که در دنیای امروز صورت می‌گیرد و وابسته به فضای مجازی است، به اجماع برسند.

نتیجه‌گیری

از نگاه فقهی، افساد فی الارض به عنوان یک جرم مستقل با مجازات مشخص - یعنی مجازات‌های چهارگانه و یا مجازات انحصاری اعدام - و با قیودی مبهم و کلی به ویژه آن گونه که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چندان قابل دفاع نیست و حتی در این صورت نیز در کتاب و سنت به موارد و مصادیق آن با مشخصات ویژه جرم و مجازات خاص آن اشاره شده است و شمولیت این اختیار برای انطباق این حکم کلی بر هر مفسدی به نظر می‌رسد که خلاف روش فقها در تعریف دقیق جرایم و مجازات‌های آن بوده و ناسازگار با اصل دقت در تعریف جرایم در قوانین کیفری می‌باشد. همچنین، می‌توان گفت که افساد فی الارض به معنای واقعی که مرتکب آن مستوجب مجازات‌های چهارگانه باشد، تنها در قالب محاربه قابل تحقق است؛ به خصوص با تفسیر فقها نسبت به عدم امکان تسری حکم محارب نسبت به معاونین. پس به نظر می‌رسد که عنوان افساد فی الارض به عنوان کلی در بسیاری از جرایم مستوجب به قتل مانند زنا، محصن و یا ساب‌النبی اطلاق می‌شود که مقصود همان معنای عام به فساد است.

منابع فارسی

- ابن مطهر (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق)، مختلف الشیعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- ابن مطهر (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق)، قواعد الاحکام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- ابن ادريس، محمد بن منصور (۱۴۱۰ ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزيز (۱۴۰۶ ق)، مهذب، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- ابن حبيب ماوردی، ابوالحسن علی ابن محمد (۱۴۰۹)، الاحکام السلطانيه، مكتبه دار ابن قتيبه، كويت
- ایزدی فرد، علی اکبر؛ حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۶)، "بررسی فقهی افساد فی الارض اینترنتی"، مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۱۲۱ - ۱۳۸
- بای، حسینعلی؛ پورقهرمانی، بابک (۱۳۸۸)، بررسی فقهی حقوقی جرایم رایانه ای، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- برهانی محسن (۱۳۹۴)، "افساد فی الارض؛ ابهام مفهومی، مفاصد عملی"، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۹ - ۴۱
- جبعی العاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، کتابفروشی داوری
- حائری، محمدحسن؛ قبولی درافشان، سید محمد تقی؛ موسوی مشهدی، سیده قدسیه (۱۳۹۱)، "نگرشی نو در رابطه جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی در فقه و حقوق موضوعه"، آموزه های حقوق کیفری، سال نهم، شماره ۳، صص ۴۳ - ۶۱
- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۷۰)، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، تهران، انتشارات کیهان
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق)، شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق)، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه احیاء آثار امام الخویی
- دیلمی، سلار (حمزه بن عبدالعزيز (۱۴۰۴ ق)، المراسم العلویه و الأحکام العلویه، قم، منشورات

الحرمین

- رضانژاد، علی (۱۳۹۲)، "نقد و بررسی جرایم علیه آسایش و امنیت عمومی در قانون جرایم رایانه‌ای"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه نراق
- رورده، حلیمه؛ محسنی دهکلانی، محمد؛ روحانی مقدم، محمد (۱۳۹۸)، "نسبت میان جرم‌انگاری دو عنوان محاربه و افساد فی الارض با حقوق بشر"، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۱۵۳ - ۱۶۹
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا)، میزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- طوسی، أبوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۰۰ ق)، نهاییه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی
- طوسی مشهدی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ ق)، الوسیله الی نیل الفضیله، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی
- عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ق)، اللعه دمشقیه فی الفقه الامامیه، بیروت، دارالترت
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- کدیور، محسن (۱۳۸۷)، حق الناس، تهران، کویر
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۰)، جرایم علیه اخلاق در فضای مجازی، تهران، نشر امیدوار
- گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۲ ق)، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دارالقرآن الکریم
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷ ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم، موسسه النشر لجامعه المفید
- مؤمن، محمد (۱۴۱۵ ق)، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۷ ق)، جواهر الکلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شر شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء آثار عربی

منابع انگلیسی

- Arora, Bhavna, "Exploring and analyzing Internet crimes and their behaviors, Perspectives in Science" Volume 8, September 2016, Pages 540 542
- Blair, Erik. "A Further Education College as a Heterotopia". Research in

- Post - Compulsory Education. 2009, 14(1) : 93–101
- Bossler, Adam M. ; Berenblum, Tamar,. “Introduction: new directions in cybercrime research”. *Journal of Crime and Justice*. 2019, 42(5) : 495–499. doi: 10. 1080/0735648X. 2019. 1692426. ISSN 0735 648 -X.
 - Brenner, Susan W. *Cybercrime: criminal threats from cyberspace*. Santa Barbara, Calif. : Praeger, 2010,. ISBN 9780313365461. OCLC 464583250.
 - Graham, Mark. “Geography/internet: Ethereal alternate dimensions of cyberspace or grounded augmented realities?”. *The Geographical Journal*. 179(2) 2013: 177–182. doi: 10. 1111/geoj. 12009
 - Lewis, James. “Economic Impact of Cybercrime -No Slowing Down” February 2018, <https://www.csis.org/analysis/economic-impact-cybercrime>
 - Mark McCormack, Liam Wignall, *Enjoyment, Exploration and Education: Understanding the Consumption of Pornography among Young Men with Non - Exclusive Sexual Orientations*, *Sociology*. 2017 Oct; 51(5) : 975–991. Published online 2016 Feb 23. doi: 10. 1177/0038038516629909
 - Moore, R. ,”Cyber crime: Investigating High -Technology Computer Crime,” Cleveland, Mississippi: Anderson Publishing. 2005, p 14.
 - Warren G. Kruse, Jay G. Heiser. *Computer forensics: incident response essentials*. Addison - Wesley. 2002, p. 392. ISBN 978 9 - 70719 - 201 - 0 -.
 - Steiger, Stefan; Harnisch, Sebastian; Zettl, Kerstin; Lohmann, Johannes(2018 02 01 -). “Conceptualising conflicts in cyberspace”. *Journal of Cyber Policy*. 3(1) : 77–95. doi: 10. 1080/23738871. 2018. 1453526. ISSN 2373 8871 -
 - Strate, Lance. “The varieties of cyberspace: Problems in definition and delimitation”. *Western Journal of Communication* 1999. 63(3) : 382–83. doi: 10. 1080/10570319909374648.